

ناگفته های مشاور مالی رضا پهلوی

۲۷ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۸

کتاب خاطرات احمدعلی مسعود انصاری از خویشاوندان فرح دیبا و دوست نزدیک و مشاور مالی رضا پهلوی - پسر شاه معدوم - است، که اختلاف مالی وی و ولیعهد سابق ایران در مطبوعات غرب بازتاب یافت. شدت این درگیری تا بدان حد بود که رضا پهلوی برای پیشبرد دعوی خود در دادگاه فدرال آمریکا مجبور به انکار ملیت ایرانی ...

کتاب خاطرات احمدعلی مسعود انصاری از خویشاوندان فرح دیبا و دوست نزدیک و مشاور مالی رضا پهلوی - پسر شاه معدوم - است، که اختلاف مالی وی و ولیعهد سابق ایران در مطبوعات غرب بازتاب یافت. شدت این درگیری تا بدان حد بود که رضا پهلوی برای پیشبرد دعوی خود در دادگاه فدرال آمریکا مجبور به انکار ملیت ایرانی خود شد و این امر بحث‌های شدیدی را در محافل وابستگان رژیم گذشته در اروپا و آمریکا برانگیخت. ظاهراً این اختلاف انگیزه‌ای برای گسست مسعود انصاری از خانواده پهلوی شد و تا بدانجا امتداد یافت که وی به نگارش و نشر این خاطرات پرداخت و طی آن اسرار و ناگفته‌های بسیار را از دوران حضور خود در این خانواده فاش نمود.

در بخش نخست، نویسنده به رابطه خویشاوندی خود با فرح دیبا و چگونگی پیوندش با دربار پهلوی می‌پردازد و شرح می‌دهد که این پیوند تا بدانجا توسعه یافت که وی در سالهای ۱۳۵۰ در زمره همراهان جوان بزم خصوصی شاه قرار گرفت. او در این بخش می‌کوشد تا براساس دیده‌ها و شنیده‌های خود به تبیین علل سقوط رژیم پهلوی بپردازد.

آنچه به این بخش از خاطرات اهمیت می‌دهد، موقعیت ویژه نویسنده و حضور وی در محفل خصوصی شهبانو است. می‌دانیم که در واپسین سالهای سلطنت محمدرضا پهلوی، این باند دارای تاثیر جدی در شئون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور بود و با گذشت زمان نفوذ فرح و اطرافیان او عمق بیشتر یافت. معهداً تاکنون چنان که بایسته است به نقش باند فرح در تاریخ سلطنت پهلوی پرداخته نشده و از این زاویه به نظر می‌رسد که خاطرات احمدعلی مسعود انصاری می‌تواند سندی دست اول به شمار رود. به دلیل تعلق به همین کانون و لاجرم شناخت بیشتر از آن، است که نویسنده در تعلیل حوادثی که منجر به سقوط سلطنت شد، بر نقش فرح و اطرافیان او - به ویژه رضا قطبی - تاکید می‌کند و فرهنگ لیبرالی این محفل و تاثیرات آن را بیان می‌دارد.

سخن گفتن از لیبرالیسم فرح نباید موجب این توهم شود که گویا وی در قطبی متضاد با استبداد خشن و خونین همسرش قرار داشت. خیر! سخن بر سر ویژگی‌های روانی و شخصیتی اوست: فرح دیبا در یک خانواده متوسط غربگرا به دنیا آمد.

در دوران تحصیل در پاریس با مبتذلترین تجلیات فرهنگ اروپایی آمیزش یافت و شیفته آن شد. شخصیت فرح پهلوی را می توان زمره پیوند عقده های دوران کودکی و رویاها و سوادهای دوران نوجوانی و خودباختگی های یک دختر غربزده با تمامی احساس حقارت ها و سرکوفتگی هایش با خلیات فرهنگ آبستره محافل دانشجویی و روشنفکری پاریس سالهای ۱۹۶۰ - آمیزه ای از مدرنیسم و الحاد و چپ گرائی متداول - دانست. ارتشبد حسین فردوست می نویسد:

در آن زمان فرح که دختر فقیری بود تمایلات چپ و کمونیستی داشت و با تعدادی دانشجو رفاقت داشت که یکی از آنها لیلی امیرارجمند بود. خود من برخی از دانشجویان این دانشکده را در پاریس دیده ام که همه افکار کمونیستی داشتند... در مورد فرح با توجه به وضع زندگی و فقر مادی اش زمینه چنین گرایشی وجود داشت. به هر حال ، فرح این فرهنگ چپ را در دوران زندگی با محمدرضا حفظ کرد و دفترش را به مرکز اشاعه این نوع فرهنگ تبدیل نمود و تعدادی از افراد دارای تمایلات کمونیستی را در آنجا جمع کرد.

در پی ازدواج فرح دیبا با محمدرضا پهلوی، این فرهنگ ولنکار در پهنه یک کشور امکان بروز و تحقق یافت و در اقدامات فرح پهلوی و دفتر مخصوص شهبانو رخ نمود، صدها روشنفکر بی ریشه و مبتذل و بیمار و جاه طلب و فاسد را گردآورد، به صورت «جشن هنر» های کذایی و نمایش شنیع ترین صحنه های جنسی در خیابانها نمود یافت، و ذائقه لوس و تنوع پرست شاه را با سرگرمی های جدید آشنا نمود.

اسناد موجود نشان می دهد که فرح دیبا، به دلیل این خصوصیات که دارای همگونی های فراوان با شیوه زندگی آمریکائی را او که ،داشت قرار (سیا) آمریکا «اطلاعات مرکزی آژانس» گران تحلیل و مقامات پسند مورد - بود (American Way Of Life) به عنوان برجسته ترین نماد «تجدد» (مدرنیزاسیون) ایرانی ارزیابی می کردند. مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا تمایل جدی «کاخ سفید» را به فرح به روشنی بیان می دارد و آشکار می سازد که در طرح های اضطراری «سیا» برای شرایط سقوط شاه، فرح پهلوی مهم ترین آلترناتو آمریکا محسوب می شد.

خاطرات احمدعلی مسعود انصاری درباره نقش «باند فرح» در روزهای انقلاب، انطباق حرکت فرح و اطرافیان او را با استراتژی تنظیم شده «سیا» - که بعدها با تسخیر لانه جاسوسی آشکار شد - روشن می کند.

بخش دوم خاطرات به دوران آوارگی شاه اختصاص دارد. در این بخش نویسنده به عنوان یکی از نزدیکان شاه فراری شاهد گفته ها و نکته هایی است که تازگی دارد و گوشه هایی بیشتر از فساد این خانواده را آشکار می سازد.

معهدا، مهم ترین بخش این خاطرات بخشی است که به سالهای فعالیت مشترک نویسنده با رضا پهلوی اختصاص یافته. این بخش با «همکاری مجدد» وی با رضا پهلوی آغاز می شود و با گسست او پایان می یابد. از این زاویه، خاطرات حاضر یک سند منحصر به

فرد ارائه می‌دهد که برای شناخت سرنوشت خانواده پهلوی، داستان آوارگی آنها و رویاهای دن کیشوت‌وارشان، فساد مالی و انحطاط اخلاقی آنان، و نیز پیوندهای آشکارشان با سرویس‌های جاسوسی غرب حائز اهمیت است. خاطرات مسعود انصاری با گزارش فعالیت مالی دفتر رضا پهلوی، که وی مسئولیت آن را عهده‌دار بود، پایان می‌یابد.

خاطرات احمدعلی مسعود انصاری طبعاً نمی‌تواند از روحانیت و علائق شخصی او به دور باشد. لذاست که در این کتاب، به سان بسیاری کتب مشابه، با تنزیه چهره شخصی نویسنده و ادعاهائی در این زمینه مواجهیم. ما را به این بخش از خاطرات کاری نیست و تنها آن صفحاتی را مدنظر داریم که بخش اعظم کتاب را تشکیل می‌دهد و به افشاء ناگفته‌ها پرداخته و دانسته‌هائی عجیب و عبرت‌آموز را برملا ساخته است. روشن است که این خاطرات، به سان خاطرات سایر وابستگان رژیم گذشته، باید با توجه به شخصیت نویسنده مورد مطالعه قرار گیرد. در این چهارچوب روشن است که زاویه نگرش نویسنده به مسائل انقلاب، تحت تأثیر عوامل معینی قرار دارد و جز این نیز نمی‌توان انتظار داشت. معهدا، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی در مهم‌ترین مواردی که این دیدگاه‌ها را خطا تشخیص داده، کوشیده است توضیحاتی مختصر ارائه دهد و روشن است مواردی را که بدون توضیح گذاشته است، به دلیل عدم اهمیت آن بوده است. پس همه زیرنویس‌های مندرج در کتاب از موسسه محترم است. علاوه بر آن، به دلیل سبک خاص نگارش نویسنده، کوشیده شده تا با اصلاحاتی مختصر در آن متن را حتی‌المقدور روان و ساده کنند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۰۴۶۳/های-ناگفته-مشاور-رضا-مالی-مشاور-های-ناگفته>